

بامداد جنوب

ادب‌و هنر ۶

دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴ | ۳ صفر ۱۴۴۷ | سال دوازدهم | شماره ۲۸۵۴

کاشی ما



دوری یا نزدیکی به ماه؟ مسأله این است



ا ن س ر ین نفیسی |

این روزها که دفترچه خاطرات سال‌های دورم را ورق می‌زنم، هنوز خاطر آتش جان تازه‌ای به روحم می‌دهد. یکی از آن روزها را دوباره می‌خوانم و از یکم مردادماه ۱۳۴۰ برای شمامی گویم.

صبح به‌زمخت زودتر از همیشه چشمم باز کردم. شب چون سرباز شکست‌خورده‌ای گریزان از شکستی که از صبحگاه خورده، می‌رفت تا برای نبردی به همراه پیروزی آماده شود. نسیمی خنک و ملایم با شاخسارها کلنجار می‌رفت و گنجشک‌ها چیک‌چیک کنان می‌خندیدند. ماه رنگ عوض می‌کرد و پشت‌ابرهای سفید آسمان پنهان می‌شد.

یادواقعۀ تأسف‌انگیز دیشب افتادم. ما همیشه شب‌های تابستان وقتی که ماه بالای آید، بر سر انداختن رختخواب‌ها بگومگو داریم. دیشب شبی که فردایش بایدخوش بگذرد، شبسی بد و نا راحت‌کننده بر من گذشت. ساعت نه و نیم وقت خواب، نگاهم به آسمان تلاقی کرده بود. ماز بیادردل سیاه آن می‌درخشید... ماه همیشه برایم زیبا و دوست‌داشتنی بود. وقتی خواستم رختخوابم را بیاورم با خود گفتم که آخر ایوان بخوابم جایی که از ماه وزیبایی‌هایش بی‌بهره‌است؛ اما دعوی سعید و وحید که مثل همیشه بر سر انداختن رختخواب‌ها سر راه ایجادشده بود و احمد که آن وسط آب می‌خورد و راه را گرفته بود مانع شد. چشم‌هایم هم از شدت خواب می‌سوخت. وادار شدم که رختخوابم را اول ایوان زیر نور مستقیم ماه ببندازم و بخوابم. تهمینه آمد رختخواب به دست لطف‌ای بالای سرم مردد ایستاد و نگاهمی به اطراف کرد. دو تا جای خالی آخر ایوان برای او و آفرین گذاشته بودیم. غرغر کنان رفت و رختخوابش را همان آخر انداخت و با صدای بلند گفت: «معلومه دیگه در خودخواهی سرنین شکی نیست.»

هرچه خواستم به او بفهمانم که قصدی نداشتم و از روی عمد جای دور از مهتاب را برایش انتخاب نکرده‌ام قبول نکرد. با خود اندیشیدم شب پیش نیز من انتهای ایوان در تاریکی خوابیدم و حالا تهمینه که به گذشت و مهربانی معروف شده باید به واسطه بدی جایش قلبی را بیازارد و خودخواهی کسی را به رُخش بکشد. می‌گفت فطرت من چنین است و من خودخواهم و نمی‌شود کاری کرد. فوری چه چشم‌هایم را بسته تا از آزاد شدن آشک‌هایی که نیش می‌زدند و می‌خواستند فرو بریزند خودداری کنم. همه‌جا آرزو بود. نگاهمی به ماه افکندم، در دورترین نقطه آسمان مانند نیم گلوله‌ای درخشان نور می‌افشاند. با غصب صورتم راز آن بر گرداندم و به پهلو خفتم. مرغی از آن دور هاضجه می‌کشید. انگار کسی صدایم می‌زد. بر خاستم. بچه‌ها تک‌تک بیدار می‌شدند. هر کدام جنبشی می‌کردند، یکی چمدان‌ها را می‌برد، دیگری دنبال کفش‌هایش می‌گشت، آن یکی کتابش را می‌خواست و آن دیگری لباسش را طلب می‌کرد و من آرام‌روی بلکان نشسته بودم و به این جنب‌وجوش می‌نگریستم.

بالاخره ساعت موعود فرا رسید و ولی احمد به‌شدت آیدنیش در د گرفته بود. مامان خیلی نا راحت شدند و از پشت شیشه عینکشان اشکی را که در چشم‌هایشان شنای کردیدیم، با بانا احتراز سویی به سویی می‌رفتند و داروهارا جابه‌جای می‌کردند و متفکر به آن هانگاه می‌کردند. قرار شد که بابا، احمد و حبیب در خانه بمانند و با سرویس دوم حرکت کنند. مابقی سوار شده و به راه افتادیم. چرخ‌های ماشین با سرعت روی آسفالت خیابان‌ها می‌لغزید و بیش می‌رفت. از پشت شیشه‌های گردآلودۀ اتومبیل شهر زیبای اصفهان با غرور سر برافراشته بود. بانگاهی از پشت شیشه با آن وداع کردم. ما می‌رویم و برایت وسعت و پایداری آرزو می‌کنیم.

گروغبارها می‌رقصیدند و از شیشه ماشین بالا می‌رفتند. شهر را با مردمان کثیف و تزویر و ریاضان گذاشتم و به‌سوی سرزمینی پر کشیدیم که شاید مسأله زندگی را با جدیت و کوشش بیشتری حل می‌کردند. ساعت نه‌اتومبیل جلوی باغ بزرگی ایستاد. پیرمردی در را گشود و لرزان و خنده‌کنان خوش آمد گفت. باغی زیبا و خرم انتظارمان را می‌کشید. داخل شدیم و برای چند هفته خوشی در آنجا مستقر شدیم.

گزارش

نمایش «گیلانه»

پس از ۲۱ سال با بهرام رادان

بامداد جنوب: نسخه مرمت شده فیلم سینمایی «گیلانه» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد و محسن عبدالوهاب که سال ۱۳۸۳ تولید شده، با حضور بهرام رادان به نمایش درمی‌آید.

به نقل از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، روز سوم برنامه «سینمای ایران برای وطن» و نمایش نسخه مرمت شده فیلم «گیلانه» ساخته رخشان بنی‌اعتماد و محسن عبدالوهاب در موزه سینما بر گزار می‌شود.

نمایش فیلم ساعت ۱۶ دوشنبه ۶ مردادماه در سالن فردوس خواهد بود و در ساعت ۱۸ سومین نشست نقد فیلم با حضور «بهرام رادان» و «انتونیا شرکا» با اجرای حمیدرضا مدقق بر گزار خواهد شد.
رخشان بنی‌اعتماد سال‌ها قبل گفته بود: موضوع «گیلانه» جنگ است اما نه فقط جنگ ایران و عراق؛ در واقع یک شکل فرامرز ی این جنگ مطرح می‌شود. روی این فیلم نام سینمای جنگ یا ضد جنگ نمی‌گذارم و معتقدم این نوع فیلم به‌وجهی از جنگ نگاه می‌کند که ذهنیت را در هر شکل به سمت ضد خشونت می‌برد.

فاطمه معتمدآریا، بهرام رادان، باران کوثری، ژاله صامتی و شاهرخ فروتنیان بازیگران این فیلم هستند. برنامه «سینمای ایران بر ای وطن» توسط سازمان سینمایی بر گزار می‌شود در روزهای دیگر به ترتیب با فیلم‌های «سرزمین خورشید» ساخته احمد رضا درویش و «ناخدا خورشید» ساخته ناصر تقوایی به همراه نشست‌های پرسش و پاسخ ادامه خواهد داشت و از روز شنبه ۱۱ مردادماه اگران همزمان این فیلم‌ها در سینماهای تهران و چندین شهر آغاز می‌شود.

بامداد جنوب: معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مردمی‌سازی و عدالت فرهنگی را اولویت اصلی فعالیت‌های این وزارتخانه معرفی و تأکید کرد: به عنوان پیوست احکام مدیران استان‌ها به آنان ابلاغ می‌شود. مهدی محمدی در مراسم معارفه مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد، افزود: در این دوره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیاست‌های خاصی را دنبال می‌کند و سعی شده تمام مدیران فرهنگ و ارشاد استان‌ها از درون همین مجموعه انتخاب

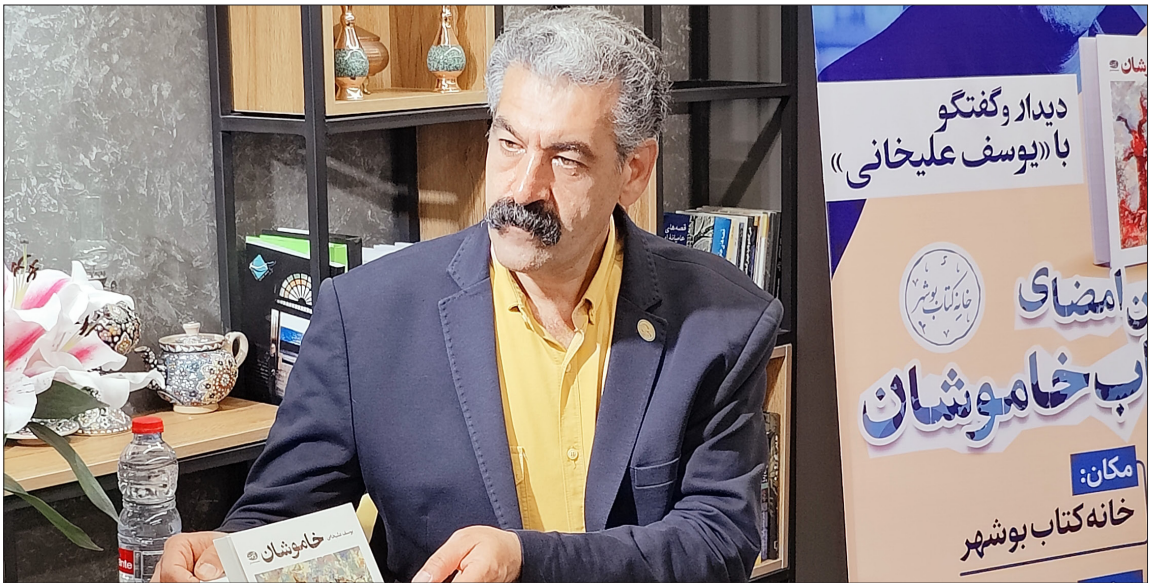
مدیران فرهنگ استان‌ها ملزم به رعایت عدالت فرهنگی هستند

شوند. به گفته وی، در تاریخ این وزارتخانه سابقه نداشته تا کنون اینگونه نبوده اما اکنون با جدیت پیگیری و در این زمینه اقدام تازه ما همه مدیران از زیرمجموعه‌های وزارتخانه منصوب شوند و همچنین در ابلاغ و حکم وزیر فرهنگ و ارشاد نیز پیوستنی با ۱۱ برنامه به مدیران داده می‌شود. معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: مدیران استان‌ها باید با توجه به اقلیم فرهنگی استان خود اقداماتی را داشته‌باشند که مردمی‌سازی و عدالت فرهنگی

یوسف علیخانی در جمع مخاطبانش در بوشهر:

خاموشان، از دل زندگی‌های خاموش شده برآمده‌است

الهام بهروزی |



«تورمه‌یاد»، «خُش‌گام»، «بورمه»، «تارلن»، «جان به سِر»، «تَشْکَل‌گاه»، «شکست»، «گرانه»، «روانه»، «باددکت»، «مَرگه‌خا»، «تاج»، «فَسانه‌ی»، «تاندای کولی سِر»، «ولگ آخه» است. کتابی که واژه‌های اصیل دیلمی و رنج زلن و مردن باز در آن نمود چشمگیری دارد.

او در ابتدای سخن خود با مخاطبان بوشهری‌اش اشاره به زبان داستان‌ها و رمان‌هایش کرد و گفت: افراد زیادی به من می‌گویند که زبان داستان‌هایم شاعرانه است، از جمله احمد غلامی، روزنامه‌نگار، او در دوره‌ای کل ایران را می‌چرخید تا اینکه گذرش به ملبک

می‌خورد و آنجا با پیرزنی آشنا می‌شود که بسیار شاعرانه صحبت می‌کرده. بعد از آن، به من گفت تو اصلاً نمی‌توانی کامل به این لهجه بنویسی؛ چون بسیار شاعرانه و موزون است.

این نویسنده که رمان‌های «اوهو» و «خاما»-یش در بازار داستان ایران بسیار صدا کرد، با ستایش جغرافیای بوشهر و مردمش افزود: امروز در بوشهر مردمی و فضایی را دیدیم که مجذوبم کرد. من برای اولین در این جابایم‌وه‌ای به‌نام «جبمو» آشنا شدم که اتفاقاً خیلی خوشمزه بود. کلا بوشهر، شهری با مردمی شوخ‌گرم است مثل هوابش حتی گرمای این‌جا هم برای من خاطره‌انگیز است و دوست‌دارم دوباره به ساحل و دریای زلالش و دورن بافت تاریخی آن بروم و با مردم مهریانش دوباره هم صحبت شوم، هرچند به خاطر لجه‌ای که دارند، کمتر متوجه حرف‌هایشان می‌شوم اما از بی‌احرف می‌زنند.

وی سپس سه خاطره اولین گفت‌وگویش با محمدرضا صفدری که نویسنده‌ای به‌شدت مصاحبه‌گریز است، اشاره کرد و گفت: او را نویسنده محسوب و منحصر به فردی است. هرگز تصور نمی‌کردم که روزی از دوستان نزدیک صفدری و ناشر

یکی از بهترین کارهایش یعنی سیاستپو شوم، او در آثارش زبانی شاعرانه و برگرفته‌از بومش دارد. او کارهای خیلی خوبی دارد اما در میان داستان‌های کوتاه‌اش «رو هگدر» او بسیار خواندنی است. توصیه می‌کنم اگر آن را نخواند اید حتماً بخوانید.

علیخانی در ادامه به خاموشان اشاره و تأکید کرد: من قرار نبود که داستان کوتاه بنویسم، چراکه در فکر نوشتن یک عاشقانه بودم اما خاموشان متولد شد مشحون از داستان‌های کوتاه که در جایی از چشم شمامی آورد و در جایی شمارا می‌خواند. شاید برای برخی از مخاطبان سوال پیش بیاید که چرا برخی از داستان‌های علیخانی اشک به چشم می‌آورد، دلپیش هم این است که این اشک‌ها غم زندگی را

برگزیدگان جایزه رمان نویسی یحیی سنوار معرفی شدند

به گفته وی، هدف از این ابتکار عبارت است از «گسیل دادن جبهه مقاومت به ادبیات و رمان از طریق کلمات، به گونه‌ای که شخصیت سنوار همچنان نمادی از آزادی باقی بماند و داستان مبارزه او منبع الهام برای همه کسانی باشد که معتقدند از آزادی فلسطین سرنوشتی اجتناب‌ناپذیر است».
در ادامه این مراسم علی افضلی نام‌ینده دهم‌جایزه جهانی ادبیات فلسطین با اشاره به شرایط بحرانی این روزهای مردم غزه و کمبود آب و مواد غذایی گفت: غزه سرنه‌اما پایدار است و با کرامت مقاومت می‌کند جایی که سلاحی جز قلب و سیری جز ایمان ندارد. همه شرافت اکنون این است که در زمانه ظلم، صدای مظلوم و بی‌برقی برای عدل باشیم.

در پایان، برترین آثار رسیده به دبیرخانه جایزه یحیی سنوار با حضور رئیس هیات داور ی جایزه جهانی ادبیات فلسطین به این شرح اعلام شد: رتبه اول: امین الشمامی از یمن؛ رتبه دوم: اسام‌الاعصر از مراکش، رتبه سوم: رابابت محمد بن علی الخفیریه از عمان، رتبه چهارم: ثریا بنت حمدین صالح آل سلمی از عمان و رتبه پنجم: بلقیس بنت جمال الکثیری از یمن.



خبر

بیستمین پویش «کتاب و زندگی» آغاز شد

بامداد جنوب: بیستمین مرحله از پویش کتابخوانی «کتاب و زندگی» با محوریت کتاب «تنها گریه کن» که روایتی از زندگی مادر شهید معماریان است، به همت مرکز رسانه‌ای شیرازه‌فعالیتش را آغاز کرد.

کتاب «تنها گریه کن» روایت زندگی اشرف سادات منتظری، مادر شهید محمد معماریان است، که از سوی انتشارات حماسه یاران به چاپ رسیده است. این اثر کوشیده تصویری کوتاه و مختصر از یک عمر زندگی و ولایت‌پذیری و فرمان‌برداری زنی را نمایش دهد که در تاریخ انقلاب رشد کرد و اثر گذار شد. این کتاب، متنی ادبی را در سستایش از شهید معماریان و مادر آن شهید بزرگوار ارائه می‌دهد. این پویش فرصتی است برای ارزش‌های خانواده‌ایرانی در سایه فرهنگ مقاومت و شهادت. علاقه‌مندان برای شرکت در این پویش و دریافت کتاب می‌توانند عدد «۷» را به سامانه ۱۹۳۳ یا ۳۰۰۰ پیامک کنند. جوایز این دوره از پویش شامل کمک‌هزینه سفر به کربلا،ی معلی است.

مجموعه داستان «خان نخلستان» درباره رئیسه‌لی دلواری منتشر شد

بامداد جنوب: مجموعه «خان نخلستان» از سوی جمعی از نویسندگان بوشهری با محوریت شخصیت رئیسه‌لی دلواری به همت نشر صاد منتشر شد.

رئیسه‌لی دلواری، قهرمان ملی است که در سن سی و دو سالگی انگلیسی‌ها را در بوشهر زمین گیر کرد. حرکت رئیسه‌لی به عنوان یک جوان روستایی بوشهری که توانست امپراتوری بزرگ بر تانیا را از زمین گیر کند، صرف برداشتن یک اسلحه و تدارک سپاه نبوده است. به گونه تاریخ، رئیسه‌لی فرزند خان روستای دلوار بوده و مانند خوانین بزرگ، تفنگی نداشته است. کاری که او می‌کند در حقیقت آغاز گر یک حرکت مردمی در تمام خطه جنوب است. حر کتی که حتی بعد از شهادت او نیز ادامه داشت، منجر به خروج انگلیسی‌ها از جنوب ایران می‌شود.

در داستان‌های کوتاه از زندگی رئیسه‌لی دلواری، تلاش شده تا علاوه بر به تصویر کشیدن مبارزه شخص رئیسه‌لی، حرکت مردمی که تحت تأثیر مبارزت رئیسه‌لی بوده‌است نیز نمایش داده شود. این نمایشنامه در ۷۲ صفحه و از سراسر کتابفروشی‌های کشور قابل تهیه‌است.

ارسال سند ملی اسباب‌بازی به شورای عالی انقلاب فرهنگی

بامداد جنوب: مدیر کل سرگرمی‌های سازنده و بازی‌های رایانه‌ای کانون پرورش فکری از ارسال سند ملی اسباب‌بازی از سوی شورای اسباب‌بازی به شورای عالی انقلاب فرهنگی خبر داد.

حامد علامتی در پنجاه و دومین نشست شورای نظارت بر اسباب‌بازی با اعلام این خبر گفت: صنعت اسباب‌بازی نوپاست و قابل مقایسه با صنعت‌های دیگر نیست

وی با بیان اینکه نمایشگاه اسباب‌بازی را استان به استان بر گزار می‌کنیم، این هم برای تولیدکننده‌ها و هم برای خانواده‌ها خوب است. افزود: ما به عنوان حاکمیت باید کمک کنند و تسهیل گر باشیم و به بخش غیر دولتی کمک کنیم تا صادرات اسباب‌بازی با افزایش کیفیت صورت گیرد.

رئیس شورای نظارت بر اسباب‌بازی با اشاره به وجود ۳۳ هزار کودک کستان و هزار مرکز فرهنگی کانون پرورش فکری در کشور گفت: این‌ها یک باز خوب برای تولید کنندگان و فروشندهگان اسباب‌بازی محسوب می‌شوند. اگر کانون و سازمان تعلیم و تربیت کودکان محصلی را تأیید بکنند، به‌طور مسلم کودک کستان‌ها و مراکز فرهنگی کانون آن‌ها راتهی خواهند کرد.

مدیر کل سرگرمی‌های سازنده و بازی‌های رایانه‌ای کانون پرورش فکری نیز در این نشست با بیان این که نمایشگاه ایران تویکس به عنوان بخش تخصصی جشنواره اسباب‌بازی هر ساله در شهر آفتاب بر گزار می‌شود، گفت: اmsال نیز چهارمین دوره این نمایشگاه بر گزار شد.

لیلا بابایی با اشاره به اینکه سند ملی اسباب‌بازی در آخرین جلسه شورای اسباب‌بازی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شد، تصریح کرد: قرار است این سند در شورای معین، به رأی گذاشته شود و نظر نهایی به شورای اسباب‌بازی اعلام شود. وی به بر گزار نشست تخصصی هم‌اندیشی فعالان صنعت اسباب‌بازی با حامد علامتی اشاره کرد و افزود: در این نشست ناظر به مسائلی بود که در شرایط کنونی می‌تواند کمک‌کننده صنعت اسباب‌بازی باشد و روزهای خوبی را برای این صنعت رقم بزند. در حوزه‌های حامل انرژی، صادرات، واردات و تولیدات مواردی در این جلسه مطرح شد.

کیارستمی در سرزمین خود غریب واقع شد

بامداد جنوب: رئیس سازمان سینمایی کشور با اشاره به جایگاه کیارستمی در سینمای ایران تأکید کرد: تقریباً هیچ‌یک از دانشکده‌های تخصصی سینما در جهان را پیدا نمی‌کنید که آثار عباس کیارستمی در آنجا به نمایش در نیایند و تدریس نشود ولی افسوس که این فیلمساز بزرگ در سرزمین خود غریب واقع شد. راند فر پنداره در نخستین نشست برنامه «سینمای ایران برای وطن» که با نمایش نسخه مرمت شده «خانه دوست کجاست؟» ساخته زنده‌یاد عباس کیارستمی بر گزار شد، گفت: عباس کیارستمی بزرگ و یک افتخار بزرگ برای ایران و سینمای ایران است. به قول برخی از اندیشمندان شعر در هر اثر هنری جریان دارد و اثر هنری نیز در شعر ساکن می‌شود و یک رابطه شکلی و معناداری بین ساخت اثر هنری و سرایش شعر وجود دارد. شما گاهی با گوش اثر هنری را می‌شنوید و گاهی با چشم یک‌اثر هنری را می‌شنوید. این شنیدن یعنی افق انسان برای پذیرش انسان‌ها است. به‌اینکه کیارستمی فخر سینمای ایران است، بیان کرد: دیده می‌شود. وی با اشاره به اینکه کیارستمی فخر سینمای ایران است، بیان کرد: به همین دلیل است که اولین روزاز مجموعه رویداد «سینمای ایران برای وطن» را با نمایش فیلم «خانه دوست کجاست» به یاد عباس کیارستمی شروع کردیم که نسبت مستقیمی با وطن دارد.

فریدزاده بابیان اینکه «خانه دوست کجاست؟» سکنی گزیدن آدمی در زبان و نسبت او را با جهان تأیید می‌کند، گفت: عباس کیارستمی پیوند عمیقی با زبان و شعر داشت و بسیار متواضعانه این امر را بیان می‌کرد.

وی یادآور شد: کیارستمی پیوند عمیقی با زبان و شعر داشت و خیلی متواضعانه این مسأله را پنهان می‌کرد و به دنبال فخر فروشی نبود. او با شعر و خاک عمیقا پیوند داشت و یکی از ایرانی ترین فیلمسازان سینمای ایران است.